

عشایر لک ایلام

لک‌ها جنوبی‌ترین گروه از طوایف کرد ایران هستند. و چون در آغاز پیدایی و تجمع خود حدوداً صد هزار خانه بوده‌اند، آنها را «لک»؛ یعنی، «صد هزار» نامیدند. ایلات و عشایر با قومیت و گویش لری در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می‌شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یکدیگر تفاوت اندکی دارند. ایلات و طوایف لک در شمال و شمال غربی لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره‌های رودخانه‌ی سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم‌آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است. در گذشته، لک‌ها به «طوایف وند» و لرها به «فیلی» شهرت داشتند. لرها در سطح وسیعی در ایران در استان‌های لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و بخشی از استان فارس و بوشهر زندگی می‌کنند. در سایر نقاط ایران مثل کرمان و تهران نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند. برخی لکی را در شاخه گویش‌های جنوبی کردی طبقه‌بندی می‌کنند، و برخی آنها را قومی مابین کردها و لرها نامیده‌اند و برخی لک‌ها را یک شاخه مستقل از اقوام ایرانی میدانند گویش‌های جنوبی کردی یا (جنوب شرقی) شامل تعداد زیادی لهجه‌های منفرد و متفاوت نظیر (کرمانشاهی، کلهری، سنجایی، لکی فیلی) در استانهای کرمانشاه، کردستان، ایلام و لرستان در غرب ایران می‌باشند. مهمترین ایلات لک عبارتند از ایل کلهر، ایل زنگنه، ایل مافی و ایل باجلان که در نواحی ایلام و کرمانشاه و لرستان ماوا داشته‌اند. طوایف لک که در لرستان زندگی می‌کنند غیر از طوایف لر هستند. شاه عباس اول در دوره صفویه لک‌ها را به لرستان منتقل کرد و در آنجا سکونت داد و طایفه سلسله که قبلاً در منطقه مایدشت کرمانشاه ساکن بود و طایفه دلفان در قرن سوم تیولی در شمال لرستان داشته‌اند و طایفه باجلان از منطقه موصل آمده‌است. در زمان نادر شاه بخشی از سپاه نادر را لک‌ها تشکیل می‌دادند. در دوره قاجار، به علت انتقام‌گیری از زندیه، بسیاری از طوایف لک، منقرض و به نقاط مختلف پراکنده شده‌اند. در زمان مشروطیت هم لک‌ها به فرماندهی یارمحمدخان کرمانشاهی نقشی ایفا کردند و به قول کسروی، یار محمد خان یکی از سمبل‌های مشروطه بوده. و در نهضت جنگل هم لک‌ها نقش بسزایی داشتند. چنین به نظر می‌رسد که روند اخذ هویت کردی که از سده‌ها پیش مردم گوران مناطق اردلان (به مرکزیت سنندج) و سرزمین کرمانشاه در بر گرفت، در منطقه لک‌نشین تکمیل نشده و باعث مناقشه‌آمیز بودن موضوع تعلق قومیتی لک‌ها شده‌است. چنین به نظر می‌رسد که لکی از هر دو زبان کردی تبار و لری تبار عناصری داراست. اما با دقت در آن می‌توان دریافت که قرابت بسیار زیادی با کردی کلهری دارد. ۷۰ درصد واژگان لکی با زبان فارسی مشترک است. ۷۸ درصد با لری خرم‌آبادی و ۶۹ درصد با لری شمالی. لک‌های پیشکوه قویاً خود را لر می‌دانند و لک‌های پشتکوه پیوندهای قوی فرهنگی هم با لرها و هم با کردها نشان می‌دهند. مقایسه زبانهای لکی با دیگر زبانها. به عنوان مثال: در زبان فارسی: بیا به خانه برویم- در زبان لری: به‌جه رهیم هونه- در زبان کردی: بو بچیمه مال- در زبان لکی: بوری بچیمه مال. برخی منابع لکی را در پیوستار تدریجی فارسی-لری-کردی در میان لری و گورانی قرار داده ولی همانندی‌های آن بیشتر به سمت لری می‌دانند. برخی زبان‌شناسان هم لکی را کاملاً در دسته لری طبقه‌بندی کرده‌اند. از ویژگی‌های لک‌ها، داشتن فرهنگ غنی مکتوب است. برخی آثار سرایندهگان لک در تذکره به همت مرحوم اسفندیارخان غضنفری تحت عنوان «گلزار ادب لرستان» گردآوری شده‌است. شاعران برجسته‌ای از

حوزه کولیوند (الستر) مانند ملا پریشان، ملا منوچهر و ملا حفعلی و اخیراً رضا حسنونند و عزیز بیرانوند (خم گرین) و کیومرث امیری کله جویی معروف به لک امیر شعرهایی به این زبان سروده‌اند. از دیگر آثار مکتوب می‌توان به سروده‌های اهل حق نظیر: کلام خان الماس، نامه سرانجام، هفت‌تانه پهلویانه عسگری عالم و خم گرین عزیز بیرانوند اشاره کرد. دیگر اثر مشهور شاهنامه لکی است که اخیراً انتشارات اساطیر آن را منتشر کرده‌است.





